آسیب‌شناسی وضعیت آموزش‌های مهارتی در گفت‌وگو با مدیرعامل اندیشکده موج

مشاوران تحصیلی اطلاعی از رشته‌های مهارتی ندارند

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

«فارغ‌التحصیلان مهارت لازم را ندارند»، «سهم آموزش‌های مهارتی باید افزایش یابد»، «محتوای آموزشی تناسبی با بازار کار ندارد» را باید از جمله جملاتی دانست که طی سال‌های اخیر بارها از زبان مسئولان مختلف مرتبط با حوزه آموزشی شنیده شده است. جملاتی که هرچند از یک سو نشان‌دهنده سهم بالای چنین آموزش‌هایی در توانمندسازی نیروی کار است، اما از سوی دیگر وضعیت غیرقابل قبول این حوزه را هم به تصویر می‌کشد. واقعیت آن است که امروز با وجود دستگاه‌های مختلف در حوزه ارائه آموزش‌های مهارتی، هنوز نتوانسته‌ایم فاصله میان نیاز بازار کار به نیروی انسانی را آن‌طور که مورد انتظار بخش‌های مختلف بازار است، برطرف کنیم. از سوی دیگر بالاگرفتن تب مدرک‌گرایی باعث شده تا بخشی از فارغ‌التحصیلان تصور متفاوتی از حضور در بازار کار داشته و عملا حاضر نباشند در بسیاری از مشاغل حضور پیدا کنند. ایجاد بازار کار متناسب برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از یک سو و از سوی دیگر عدم‌توانایی کشور در رفع نیازهای صنعت حالا چالشی اساسی در این زمینه محسوب شده است. در این گزارش به سراغ مهدی هاشم‌زاده، مدیرعامل اندیشکده موج رفتیم تا علاوه‌بر ارائه آمارهای مربوط به این حوزه، آسیب‌شناسی از چرایی رسیدن به نقطه فعلی در عرصه آموزش‌های مهارتی داشته باشیم که متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

* * *

قطعا آموزش‌های مهارتی می‌تواند سهم بسزایی در کاهش نرخ بیکاری در کشور داشته باشد، وضعیت این حوزه را امروز چطور می‌بینید؟

قبل از اینکه بخواهم به این سوال پاسخ دهم، باید بسیاری از مولفه‌های این حوزه را مشخص کرد. به‌صورت کلی در توضیح نیروی انسانی متخصص باید عنوان کرد که آنها موتور پیشران صنعت و اقتصاد کشور به شمار می‌آیند. این نیروی انسانی هم باید در یک بخشی تربیت شوند و معمولا نظام‌های حکمرانی برای اینکه بتوانند نیروی انسانی متخصص و بعضا متعهد مدنظر خودشان را تربیت کنند؛ سیستم دانشگاه‌ها و مدارس را خلق کرده‌اند. نکته بعدی اینکه ما با یک شاخصی در بازار کار و نظام اقتصادی و اجتماعی تحت عنوان نرخ بیکاری مواجه هستیم. این نرخ را می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد. سطح اول بیکاران فاقد مهارت هستند، یعنی چون مهارتی ندارند بیکار مانده‌اند و سطح دوم شاغلانی که ضعف مهارتی دارند. یعنی باید عینک‌مان را تمیز کنیم؛ چراکه ما درباره مهارت صحبت می‌کنیم که هم قابل تعمیم به نظام‌های اداری و حکمرانی‌مان است و هم در لایه بیکاران و ورود به بازار کار می‌توان آن را پیدا کرد. در بخش اول عدم مهارت باعث می‌شود تا نظام بهره‌وری کاهش پیدا کرده و سرعت پیشبرد اهداف و ماموریت‌ها را هم کم می‌کند یعنی اگر درباره مهارت و مهارت‌آموزی صحبت می‌کنیم، به دامنه شمول شاغلان آن هم فکر می‌کنیم.

نرخ بیکاری در زیردیپلم‌ها ۶٫۸ اما در کارشناسی‌ها ۲۰٫۳ درصد است

اخیرا گزارشی از سوی وزارت علوم منتشر شده که سهم بیکاری را نشان می‌دهد و سهم بیکاری در کارشناسی‌ها بیشتر از دیگر مقاطع است، شرایط برای ورود به بازار کار از سوی فارغ‌التحصیلان چطور است؟

اگر بخواهم با عدد و رقم صحبت کنم، باید بگویم ما یک جامعه افراد ۱۵ سال به بالا داریم که به آنها جامعه فعال می‌گویند، البته کاری نداریم که آنها شاغل هستند یا خیر، بلکه مساله اصلی این است که آنها جزء جامعه فعال به شمار می‌روند. براساس آمار مرکز ملی آمار نیز در پاییز و زمستان سال قبل، کاهشی در حوزه بیکاری و توسعه مشاغل داشتیم، به‌طوری که امروز نرخ بیکاری ۷٫۶ درصد است و این نرخ هم برای جامعه فعال محسوب می‌شود. اگر بخواهیم قشری صحبت کنیم باید عنوان کرد که ۲۰٫۶ درصد جوانان کشور در رنج ۱۵ تا ۲۴ ساله، بیکار هستند.

در بین مدارک تحصیلی هم کارشناسی‌ها بیکارترند تا جایی که نرخ بیکاری در آنها حتی از دیپلمه‌ها هم بیشتر است. وحشتناک‌تر اینکه این قشر حتی از کسانی که مدرک‌شان زیرسیکل است هم بیکارتر هستند. از طرف دیگر ۸٫۱ درصد شاغلان‌مان اشتغال ناقص دارند. یعنی فعالیت‌شان فصلی است یا می‌توانند زمان بیشتری را سر کار باشند.

مرکز آمار گزارشی را منتشر کرد که براساس آن بالاترین نرخ بیکاری در بین همه گروه‌های تحصیلی مربوط به کارشناسی‌ها بوده و از جمعیت فعال دارای مدرک کارشناسی نیز ۲۰٫۳ درصد بیکار هستند. نرخ بیکاری برای افرادی که تنها دوره ابتدایی را گذرانده‌اند ۶٫۸ درصد است. البته باید این را هم مدنظر قرار دارد که این قشر نگاهش به شغل هم متفاوت است و به‌طور مثال می‌گوید در شغل‌هایی که شاید فارغ‌التحصیلان رغبتی به آن نداشته باشند، هم مشغول به کار می‌شوند. موضوعی که باید ملاک قرار گیرد، بحث اشتغال غیرمرتبط است؛ چراکه بخشی از جامعه در مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی‌شان مشغول به کار می‌شوند، هرچند آماری در این زمینه وجود ندارد اما نمی‌توان آن را هم نادیده گرفت. به عبارت دیگر نرخ بیکاری افراد دارای دیپلم نزدیک به ۱۲ درصد و برای کارشناسی‌ارشد و دکتری‌ها ۱۵٫۳ درصد است. یعنی در گام اول می‌گوییم کارشناسی‌ها وضعیت اشتغال بدی دارند، بعد کارشناسی‌ارشد و دکتری، بخش سوم آنهایی که دیپلم دارند و در آخر هم آنهایی که زیردیپلم هستند. به‌صورت کلی باید اعلام شود که زمستان ۱۴۰۰، ۹۱۷ هزار و ۹۴۶ نفر از جمعیت فارغ‌التحصیلان کشورمان بیکار بودند.

روحیه کارآفرینی در کشورمان تضعیف شده است

در افزایش نرخ بیکاری در کشور جز مباحث اقتصادی، چه مولفه‌هایی دخیل هستند؟

بیکاری هم علل و عوامل مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آن فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی- مهارتی است. اگر در علل و عوامل بخواهیم بحث اقتصادی را مدنظر قرار دهیم، بخشی از آن مربوط به سیاست‌های پولی و بانکی است؛ چراکه می‌بینیم ارز ثبات کامل ندارد و توزیع مناسب درآمدها و امکانات در کشور نیز رخ نداده است که نیاز به تدبیر در این زمینه داریم.

واقعیت آن است که باید نظام اقتصادی به قول مسئولان جراحی شود تا مشکلات مرتبط با این حوزه برطرف شود. یکی دیگر از مباحث فرهنگی و اجتماعی است که در این بخش ما با چالش تضعیف روحیه کارآفرینی مواجه هستیم، در مقابل میل به فعالیت‌های زودبازده در جامعه وجود دارد که باعث شده بخشی از جامعه به‌سمت مشاغل خدماتی سوق پیدا کنند. همین امروز اگر خانواده‌ای بخواهد شغلی را به فرزندش توصیه کند، طبیعتا کشاورزی را نمی‌گوید و حتی صنعت را هم نمی‌گوید بلکه امروز کارمند شدن در کشور به یک ارزش تبدیل شده است. امروز مردم کمتر تمایلی به سمت کارآفرینی و مشاغل مهارتی دارند؛ چراکه تصویر مبهم و غیرشفافی از این حوزه به جامعه نشان داده‌اند. همین امروز وقتی لفظ مشاغل مهارتی مطرح می‌شود، به احتمال زیاد شغل‌هایی مانند مکانیکی و یک شاطر نانوایی به ذهن متبادر می‌شود. عامل سوم هم مباحث آموزشی و مهارتی است که به آنها مهم‌ترین عوامل تعالی و بلوغ جوامع می‌گوییم. این حوزه باعث می‌شود تا بنیه مهارتی و توانمندسازی افراد تقویت شود. امروزه قرار گرفتن در مسیر توسعه پایدار و رسیدن به این توسعه، یکی از اهداف اصلی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و اهتمام به این حوزه هم جز با سرمایه‌گذاری بر نیروی کار و سرمایه انسانی که فعال در حوزه مهارتی است، پدیده غیرقابل انکاری خواهد بود.

امروز بیشترین اقبال برای اشتغال مربوط به کدام حوزه می‌شود؟

اگر بخواهیم براساس پژوهش‌های صورت گرفته توزیع نسبی شاغلان را در سه بخش اقتصادی یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات بررسی کنیم، باید عنوان شود که وضعیت اشتغال در کشاورزی طی سال‌های اخیر کاهش داشته است. وقتی بازه زمانی سال‌های ۵۵ تا ۸۹ را که ملاک قرار دادیم، متوجه شدیم که این روند نزولی بوده است. مابه ازای آن حضور نیروی کار در عرصه خدمات صعودی بوده و تمایل جامعه بیشتر به این سمت بوده است. شرایط در مشاغل مربوط به صنعت هم نزولی بوده، هرچند شیب آن به نسبت کشاورزی به مراتب کمتر بوده است. یعنی امروز وضعیت به‌گونه‌ای شده که وقتی بحث اشتغال به میان می‌آید، تمایل افراد در ابتدا به کارمند شدن، بعد از آن حضور در یک شرکت و درنهایت مشاغل مهارتی و کارآفرینی است. انصافا ما با یک نوسانی در این حوزه روبه‌رو هستیم و آن هم مباحث آموزشی و مهارتی است که به آنها مهم‌ترین عوامل تعالی و بلوغ جوامع می‌گوییم.

آموزش‌های مهارتی و سازمانی و دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای در کدام بخش از پازل عرصه مهارت‌افزایی قرار می‌گیرند؟

نکته‌ای که در گام اول در این زمینه باید ملاک قرار گیرد، اینکه توسعه آموزش فنی‌وحرفه‌ای باعث افزایش سرمایه انسانی و درنهایت پایداری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. متعاقبا آنجایی که افزایش سرمایه انسانی و طبیعتا سرمایه اجتماعی را داشته باشیم، آموزش‌های مهارتی و آنچه نامش را فنی‌وحرفه‌ای می‌گذاریم هم روند افزایشی خواهد داشت. با این حال واقعیت آن است که هم از فضای دانشگاهی و هم از فضای سازمان فنی‌وحرفه‌ای ما تصویر شفافی در اختیار داریم و در حالت بدتر اینکه در کارآمدی و اتصال‌شان به سیستم بازار هم می‌توان تشکیک کرد. از طرف دیگر به احتمال زیاد در جامعه این یقین وجود دارد که الزاما هر کسی که در فضای دانشگاه آن هم در رشته‌های مهارتی درس می‌خواند، دارای مهارت لازم نیست؛ البته منظور مهارتی است که منتج به خوداشتغالی می‌شود.

مولفه دیگر اینکه در بحث آموزش فنی‌وحرفه‌ای، تفاوتی ندارد دانشگاه، سازمان و حتی هنرستان می‌خواهد این آموزش را ارائه دهد، بلکه مساله اصلی تربیت نیروی ماهر است که می‌تواند پیشران حوزه‌های مختلف باشد. متاسفانه مشکل ما امروز آن است که اگر دولت اشتغال از حیث صنعتی ایجاد نکند، ما با یک جمعیتی از بیکاران مواجه خواهیم بود؛ چراکه جامعه خودش به سمت ایجاد اشتغال پیش نمی‌رود.

در اینجا بد نیست به این آمار هم توجه کنیم که متوسط ۳۷ درصد از دانش‌آموزان ما وارد هنرستان‌هایمان می‌شود، اما از این میزان هم باز همه این جمعیت به نظام اشتغال و بازار آن‌طور که باید متصل نمی‌شوند. همچنین ما با یک پدیده وحشتناکی هم روبه‌رو هستیم، یعنی یک زمانی ما درباره سازمان فنی و حرفه‌ای صحبت می‌کنیم که این سازمان متولی آموزش افرادی است که به آن مراجعه می‌کنند.

یک زمانی هم درباره آموزش‌وپرورش حرف می‌زنیم، این وزارتخانه هم یک سطوحی از مهارت را به فرد آموزش می‌دهد و بعد از آن اگر فردی می‌خواهد بیشتر از آن مهارت را فرا بگیرد باید یا به سازمان یا دانشگاه مراجعه کند. اما وقتی ما درباره بیکاری قشر تحصیل‌کرده مهارت‌آموخته صحبت می‌کنیم، همه این موارد را شامل می‌شود.

سهم بیکاری در آموزش عالی چه اثرگذاری خواهد داشت؟

ظهور پدیده بیکاری تحصیلکرده‌ها که در اکثر کشورها هم با آن مواجه هستیم، یکی از چالش‌های امروز کشور است. موضوع مهم اینکه قطعا گسترش کمی و کیفی بیکاری اثربخشی نظام آموزشی را زیرسوال می‌برد. یعنی اولین گزاره‌ای که نسبت به این قشر به ذهن می‌رسد؛ این است که نظام آموزشی نتوانسته آنها را به درستی تربیت کند. نکته دیگر اینکه دانشگاه‌ها جامعه را به سمت مدرک‌گرایی سوق داده‌اند و در فضای دانشگاه‌ها هم مهارت‌گرایی را شاهد نیستیم. از چندین سال گذشته نظام جمهوری اسلامی یک مولفه را دنبال کرده و مقام‌معظم‌رهبری نیز بارها به آن تاکید کردند. آن مولفه هم این است که دانشگاه باید به صنعت وصل شود. اما اشتباهی که در این میان رخ داده، آن است که تصور شده دانشگاه تنها باید بنیه علمی صنعت را تقویت کند و متاسفانه این حوزه را یک پک کامل ندیده‌ایم؛ در حالی که هم باید نیاز صنعت را درک و براساس آن نیروی انسانی تربیت کرد و هم نیروی انسانی به‌گونه‌ای تربیت شود که به درد صنعت بخورد.

رکن دیگر این بخش هم پشتیبانی علمی و دانشی صنعت است که باید در دانشگاه متبلور شود. امروز اگر می‌گوییم کارکرد دانشگاه‌ها تضعیف شده و حتی در برخی بخش‌ها از ناکارآمدی دانشگاه صحبت می‌کنیم، پدیده متاثری از نکاتی است که مطرح کردم؛ یعنی ما با عدم آموزش متناسب -در مدرسه، دانشگاه و سازمان فنی و حرفه‌ای- با نیاز بازار روبه‌رو هستیم.

تنها در بخش رسمی ۱۹ دستگاه متولی حوزه فنی و مهارتی در کشور هستند

متولی مهارت‌آموزی در کشور امروز متوجه کدام دستگاه و نهاد است؟

امروز بحث ارائه آموزش‌های مهارتی در سه سطح در کشور دنبال می‌شود. یکی از آنها در قالب رسمی است که ۱۹ دستگاه مرتبط با حوزه فنی و مهارتی در سطوح مختلف داریم که ازجمله آن می‌توان به سازمان زندان‌ها هم اشاره کرد. اما در سطح کلان باید عنوان کرد که سه دستگاه جدی سازمان فنی‌وحرفه‌ای، آموزش‌وپرورش و وزارت علوم هستند. سطح دیگر ارائه این آموزش‌ها هم غیررسمی است؛ یعنی به اصطلاح خانواده‌ها فرزندان‌شان را به یک استادکار در حوزه‌های مختلف می‌سپارند تا از این طریق آموزش ببینند. سطح سوم نیز سازمان نیافته است؛ یعنی موسساتی هستند که در فضای بیرونی آموزش‌هایی را ارائه می‌دهند و این هم دولتی نیست. در گام اول نبود یک نظام منسجم و پویا در حوزه آموزش مهارتی و تقویت فنی مهارت‌های ارائه‌شده، حس می‌شود.

شاید بد نباشد به این مساله هم اشاره کنیم که بند اول و دوم سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی از سوی مقام‌معظم‌رهبری دقیقا به این مساله اشاره می‌کند که باید به سراغ تشکیل یک نظام کارآمد متناسب برویم. سوال این است که چه ارگان و دستگاهی برای این مساله فکر می‌کنند؟ متاسفانه ما مقطعی و اقتضایی کارهایی را انجام می‌دهیم؛ البته نمی‌خواهم بگوییم که این اقدامات بی‌اثر است، اما این مسیر نمی‌تواند نقطه صد موردنظر در این حوزه را محقق کند. به صورت کلی هم مشاغل مهارتی با این دو چالش روبه‌رو هستند که اولا تصویر نادرستی از آنها وجود دارد و نکته دیگر اینکه با عدم انطباق آنها با بازار کار روبه‌رو هستیم. حتی به این سمت نرفتیم که با بهره‌گیری از اساتید زبده‌ای که در عرصه‌های مختلف این حوزه حضور دارد، نیروی انسانی را تربیت کنیم.

در حوزه اسناد بالادستی، کمبودی از حیث قانونی برای پرداخت به این حوزه داریم؟

خیر؛ چراکه ما نزدیک به ۹ سند بالادستی در حوزه آموزش‌های مهارتی و فنی‌وحرفه‌ای داریم که ازجمله آن می‌توان به سند راهبری دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای، سیاست‌های کلی اشتغال، قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان، تجاری‌سازی نوآوری و... اشاره کرد. همچنین ما اطلس ملی علم را داریم که به سهم خود به این حوزه اشاره کرده است.

چالش امروز فقدان دانش کافی در رشته‌های مهارتی است

نکته‌ای که اینجا باید ملاک قرار بگیرد، آن است که بخشی از جامعه حتی تلاشی برای فراگیری مهارت‌های مرتبط با ورود به بازار کار هم ندارند.

بله. دلیلش این است که هنوز علاقه لازم برای فراگیری دانش مهارتی در بخشی از جامعه شکل نگرفته است. ما با پدیده فقدان دانش کافی در رشته‌های مهارتی مواجه هستیم که بخشی از آن مربوط به ضعف در هدایت تحصیلی است.

باید بپذیریم که مشاوران ما از رشته‌های مهارتی مطلع نیستند، یعنی برای خود مشاوران هم این پدیده شفاف نشده است. همچنین دستگاه‌های ترویجی و تبلیغی ما مانند صداوسیما نیز به معرفی رشته‌های مهارتی نپرداختند، به‌طوری که از برنامه کودک گرفته تا برنامه‌های مخاطب بزرگسال را داریم اما در هیچ‌کدام این رشته‌ها را معرفی نکرده‌اند. حتی اگر بخواهیم درباره برنامه موفقی مانند «میدون» هم حرف بزنیم، باید عنوان کرد در این برنامه افرادی که بالاخره به یک جایگاهی رسیده‌اند، حضور پیدا می‌کنند و عملا شناختی نسبت به مشاغل و رشته‌های این حوزه از این طریق برای افرادی که در ابتدای مسیر هستند، شکل نمی‌گیرد.

مولفه دیگر اینکه تصویر خوبی از مشاغل مهارتی در کشور ما وجود ندارد، به‌طوری که ما امروز در جامعه هم پزشک داریم هم تولیدکننده تجهیزات پزشکی، اما می‌بینیم که برای پزشک شدن علاقه زیادی در کشور وجود دارد، در حالی که برای تولید تجهیزات پزشکی این رغبت وجود ندارد و با این وجود برای پزشکان هم اگر همین تجهیزات وجود نداشته باشد، عملا نمی‌توانند کارشان را پیش ببرند. وضعیت زمانی بدتر می‌شود که ببینیم، حتی تصویر بدی هم از این مشاغل ایجاد کرده‌ایم؛ به‌طوری که اگر صداوسیما سریال یا فیلمی را می‌سازد -فردی که مثلا شغل مکانیکی دارد- عمدتا تمرکز روی سختی‌های این شغل است تا امتیازاتی که برای فرد ایجاد می‌کند.

از طرف دیگر هم اهمیت مشاغل مهارتی و فنی را تبیین نکرده‌ایم و حتی الگو و قهرمان مشخصی هم در این مشاغل نداریم؛ در حالی که باید برای نسل جدید الگوسازی داشته باشیم. همین مسائل باعث شده جایگاه مشاغل فنی در جامعه پایین به نظر برسد، اما موضوع قابل توجه اینجاست که درآمد این مشاغل از شغل‌هایی مانند کارمندی بیشتر است.

وضعیت کشور در مقایسه با دیگر کشورها در حوزه آموزش‌های فنی و مهارتی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ما جایگاه قابل قبولی در این زمینه نداریم؛ یعنی علی‌رغم اینکه هم نهاد بالادستی و هم اسناد بالادستی کشور در این زمینه کم نیستند، اما وضعیت‌مان خوب نیست. یک مسابقه جهانی مهارت داریم که از سوی سازمان جهانی مهارت هم برگزار می‌شود و ایران از سال ۱۹۷۵ در آن شرکت کرده و آخرین حضورمان نیز برای سال ۲۰۱۹ که در روسیه برگزار شده، است. ایران ۱۰ نفر به این مسابقات اعزام کرده که در آن یک نفر نقره، دو نفر برنز و یک نفر هم دیپلم افتخار کسب کردند. البته در برخی از سال‌ها هم به دلیل کرونا اصلا این مسابقات برگزار نشده، با این حال رتبه‌مان در این مسابقات ۱۵ دنیا بوده است. البته خوشبختانه ما در منطقه وضعیت‌مان نسبتا خوب است. در حوزه اشتغال نیز ما جزء ۲۰ کشور اول قرار نداریم، به‌طوری که رتبه اول در اختیار سوئیس و رتبه ۲۰ نیز در اختیار جمهوری چک است. نکته دیگر اینکه ما با کمبود نیروی مهارتی متناسب با بازار کار روبه‌رو هستیم، به‌طوری که امروز اگر به‌عنوان یک دانشجوی فنی‌مهندسی از مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شوید، اگر بخواهید در صنعت مرتبط کار کنید، احتمالا با این حرف که باید یک دوره‌ای را کارورزی داشته باشید، مواجه می‌شوید و این مساله هم مشکل امروز ماست.

هنوز نتوانسته‌ایم ظرفیت آموزش‌های جوارکارگاهی را در کشور فعال کنیم

تا امروز اقداماتی در راستای مهارت‌افزایی صورت گرفته. تا چه میزان این اقدامات را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

با وجود اینکه اقداماتی در این حوزه صورت گرفته اما بسیاری از بخش‌ها هم مغفول مانده است؛ به‌طوری که ظرفیت آموزش‌های جوارکارگاهی را برای آموزش‌های مهارتی‌مان فعال نکرده‌ایم. البته الان بین دانشگاه، سازمان و هنرستان در این زمینه تفکیک قائل نشده‌ام. امروزه برخی کارگاه‌ها، شرکت‌ها و صنایعی را داریم که اگر در آنها فردی واحدهای درسی‌اش را به‌خصوص در حوزه عملی بگذارند، چند عایدی برایش خواهد داشت؛ اول اینکه با زیست‌بوم واقعی آن شغل آشنا شده است. البته ما یک چالش هم در حوزه زیرساخت و قابلیت‌ها داریم، به‌طوری که اگر امروز می‌خواهیم مکانیکی آموزش دهیم، نمی‌گوییم که فرد برود و موتور TU5 را باز و بسته کند، بلکه باید همچنان موتور پیکان را باز کند، در حالی که صنعت خودروسازی ما روی موتور TU5 کار می‌کند؛ حال اگر بتوانیم این فرد را با بدنه واقعی صنعت مرتبط کنیم، اتفاق بزرگی رخ داده است.

متاسفانه این ارتباط برقرار نشده و به همین دلیل امروز خود سیستم آموزش مهارتی‌مان با کمبود منابع و تجهیزات مواجه است، باید بپذیریم که هنرستان‌مان در فلان شهرستان دسترسی درستی به امکانات و تجهیزات ندارد، یعنی اگر امروز بخواهیم در کنار یک هنرستان، یک کارگاه مجهزی دایر کنیم، با بخش وسیعی از مسائل مالی روبه‌رو می‌شویم. بحث دیگر کمبود زیرساخت‌ها و قابلیت‌های بهینه آموزشی است که سه مولفه برای آن قائل هستیم، یکی کمبود فضا و تجهیزات، ضعف در محتوای آموزشی و ضعف در بعضا مربیان را داریم، یعنی ما از مربی متخصص استفاده نکرده‌ایم و الان سازمان فنی و حرفه‌ای از استادکار رنگرزی استفاده نمی‌کند و به جای آن از مربی استفاده می‌کند که شاید و بعضا در این فضای صنعتی ورود نداشته است. به عبارت دیگر اساتید دانشگاه ما رشته‌های فنی و مهندسی را تئوری و به‌صورت کارگاهی فرا گرفته‌اند تا جایی که اگر به استادی بگوییم بروید در حوزه خودتان یک کار صنعتی انجام دهید، شاید آن‌طور که باید تسلط ندارند.

در بحث محتوای آموزشی واقعیت آن است که هنوز آن نیاز لمس نشده که اولا محتوا را تدوین و به‌روزرسانی کنیم. نکته دیگر عدم مفید بودن آموزش‌هایی است که از سوی سازمان و دانشگاه ارائه می‌شود؛ چراکه صنعت به آموزش متصل نشده است. در این میان موانع قانونی زیادی هم وجود دارد، به‌طوری‌که امروز برای کارآموزی دانش‌آموزان هنرستانی در یک مجموعه صنعتی مسائل قانونی وجود دارد و براساس آن، کارآموز باید بیمه شود و مزایای دیگر داشته باشد و به همین دلیل صنعت تمایلی به این کار ندارد.

بحث دیگر اینکه برای صنعت مقرون‌به‌صرفه نبوده که به سمت آموزش بیاید و این موضوع را هم مطرح می‌کند که اصلا برای آموزش خلق نشده است. در اینجا دانشگاه، سازمان فنی و حرفه‌ای و هنرستان می‌تواند با اتصال به این پدیده این مشکل را برطرف کند. شاید جالب باشد به این مساله هم اشاره کنیم که یک زمانی در کشور ما مرسوم بود در تابستان‌ها خانواده‌ها فرزندان‌شان را کنار دست یک استادی می‌گذاشتند تا کار یاد بگیرند، اما ما این کار را مشمول قانون کودکان کار قرار دادیم و این اشتباه بوده است. درحالی‌که این کار، اصلا کار عمیق نیست بلکه فرد می‌خواست تنها مهارتی را یاد بگیرد و باید بین او و کودک کار تمایز گذاشت. البته اینجا بحث خانواده هم مطرح است؛ چراکه خانواده‌ها امروز نگاه‌شان آن است که فرزندشان باید درس بخواند تا بتواند در کنکور فلان رشته رتبه خوبی را کسب کند. یعنی همین امروز دانش‌آموزانی که دارای یک سطح توانمندی علمی هستند اگر بخواهند در رشته‌های فنی و مهندسی درس بخوانند، خانواده‌ها مانع آنها هستند.

اسناد بالادستی مانند برنامه هفتم و ششم توسعه، به افزایش سهم مهارت از آموزش‌ها در عرصه آموزش عالی تاکید دارند، چقدر توانسته‌ایم به این سمت حرکت کنیم؟

حاکمیت اراده‌اش بر آن است تا مشاغل مهارتی را توسعه داده و و به دنبال افزایش افرادی است که مهارت‌آموز هستند اما با برخی از چالش‌ها روبه‌روست، یعنی حتی اگر فردی برود و در سازمان فنی و حرفه‌ای آموزش هم ببیند، اما مشکلات این حوزه همچنان پابرجاست؛ چراکه مولفه‌ها و سرفصل‌هایی که از سوی این سازمان ارائه می‌شود به‌روز نبوده و نیاز به بازنگری ندارد. البته تفکیک زیادی بین سازمان، دانشگاه و حتی بخش مهارتی آموزش‌وپرورش قائل نیستم؛ چراکه یک عده‌ای می‌خواهند تنها در سطح دیپلم درس بخوانند، در اینجا باید دروس ما به حدی توانمند باشد که بتواند فرد را برای ورود به بازار کار در همان مقطع تحصیلی آماده کند. الزاما هم نباید در دانشگاه فنی و حرفه‌ای یا دانشگاه‌های فنی و مهندسی آموزش‌ها را داشته باشیم. طبیعتا وقتی کسی می‌خواهد بیشتر از دیپلم آموزش ببیند، باید به مقاطع بالاتر برود. ما در نظام برنامه‌ریزی‌مان در حوزه مشاغل، برنامه‌هایمان را به‌صورت جامع در نظر نمی‌گیریم. طبیعتا یک بار باید درباره نقش صداوسیما در این زمینه صحبت شود، یک بار باید نقش مشاوران تحصیلی و یکبار هم باید زیرساخت‌ها و تجهیزات را ملاک قرار دهیم. وزارت علوم می‌گوید تعدادی را با مشاغل مهارتی آشنا کرده، اما این عدد به نسبت جامعه فعال که نرخ بیکاری و اشتغال را از آن احصا می‌کنیم، اصلا قابل‌توجه نیست. از سوی دیگر باید روی مردمی‌سپاری بحث مهارت‌افزایی فکر کنیم. هرچند اقداماتی در این زمینه صورت گرفته، اما این حوزه را تسریع نداده‌ایم و همچنین تصویر شفاف و دقیقی در نظام برنامه‌ریزی مرتبط با حوزه مهارت‌افزایی و ارائه آموزش‌های این حوزه وجود ندارد. امروز گفته می‌شود که باید سالانه یک میلیون فرد به بازار کار وارد شوند و هر ساله ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر آماده ورود به بازار هستند و جالب اینکه برای این تعداد دغدغه ایجاد کار را داریم اما اینکه این افراد در کدام بخش، فعالیت در حوزه بازار کار را یاد بگیرند مشخص نیست.

مکانیسمی برای ارتقای مربیان سازمان فنی و حرفه‌ای وجود ندارد

در حوزه ارتقای اساتید و مربیان فنی و حرفه‌ای چه مکانیسم‌هایی لازم است؟

در نظام آموزش‌وپرورش برای معلمان دوران ضمن خدمت می‌گذاریم، اما برای نظام فنی و مهندسی‌مان کدام بخش را ملاک قرار دادیم تا بحث ارتقا را دنبال کند؟ حتی برای مربیان در سازمان و حرفه‌ای هم سازوکاری با فضای آموزشی نداریم که بتوانند خودشان را توسعه دهند. این را هم باید ملاک قرار داد که اینجا با اساتید علوم انسانی روبه‌رو نیستیم که بگوییم حالا هرچند سال یک بار فردی می‌آید که یک نظریه ارائه دهد و مباحث را دستخوش تغییر دهد. ما درباره علم و فناوری و صنعت صحبت می‌کنیم که دائما در حال توسعه و تغییر هستند و باید ظرفیت‌های این حوزه فعال شوند.

امروزه در کنار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌های دیگر نیز اقدام به راه‌اندازی دوره‌های مهارتی کرده‌اند، این دو را چطور می‌بینند؟

قطعا اینها مکمل یکدیگر هستند و اگر مثلا دانشگاه تهران ظرفیتی در حوزه مهارتی دارد، حتما باید فعال شود اما ما نیاز به یک نظام یکپارچه در این حوزه داریم. یعنی باید در وهله اول نیازسنجی شود که چه تعداد نیروی مهارتی متناسب با صنعت نیاز داریم که در این زمینه اقدام به تربیت کرد. متاسفانه نظام آموزش عالی افراد را متوقع کرده، به‌طوری که فردی مدرک کارشناسی یا ارشد مکانیک را دارد اما تصورش آن است که حتما باید پشت میز در یکی از صنایع مربوطه مشغول به کار شوند و دانشگاه نتوانسته او را مجاب کند که خودش کسب‌وکارش را ایجاد و مباحث مهارتی را دنبال کند. یعنی اینکه همه دستگاه‌های مربوطه و توانمند باید دست به دست هم دهند تا نظام مهارتی در کشور جلو برود، کار درستی است اما اینکه هر بخش در کدام پازل ایفای نقش می‌کنند، مشخص نیست و نیاز به وجود یک دستگاه بالادستی دارد.

ما اینجا شورای عالی مهارت را داریم، نقش این شورا را چطور باید دید؟

مجموعه مهارت‌آموز کشور اعم از دانشگاه، سازمان فنی و حرفه‌ای و مدارس از نقطه‌ای که اسم آن را کارآمدی و پاسخگوی به نیاز جامعه بگذاریم، فاصله دارد. یعنی اگر نگاه آماری را کنار بگذاریم و تنها کف میدان را لحاظ قرار دهیم، می‌بینیم که نیاز جامعه را پاسخ نمی‌دهد و به همین دلیل نیاز به بازنگری در این حوزه داریم. مثلا گاهی سازمان فنی و حرفه‌ای می‌گوید که مدرسه تابستانه مهارت ایجاد می‌کند، سوال این است که این اتفاق در کدام پازل و معطوف به کدام میدان دنبال می‌شود؟ چراکه امروزه حتی اگر این سازمان هم اقدام به ایجاد این دوره‌ها نکند، بالاخره بخش‌های خصوصی از حیث درآمدزایی این کار را دنبال می‌کنند. یعنی الزاما این دوره برگزار کردن یا توسعه ساختمان و... حاکی از رفع نیازهای جامعه نیست. البته نمی‌توان عنوان کرد که این بخش‌ها صددرصد هم ناکارآمد هستند. قطعا کار این شورا تسهیل، تنظیم، بسترزدایی و مانع‌زدایی است اما کارکرد اصلی این شورا با نقطه اثرگذاری‌اش فاصله دارد. البته بخشی نگاه نمی‌کنیم که بخواهیم یک بخشی را قضاوت کنیم، از طرف دیگر همه این دستگاه‌ها در حال انجام فعالیت‌هایی در این زمینه هستند، اما مشکل آنجاست که هر کدام از آنها به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند. سوال این است که آموزش‌وپرورش چند بار با سازمان فنی و حرفه‌ای جلسه داشته یا مجموعه‌های کاریابی چند بار این جلسه را داشتند؟ ما امروز یک مجموعه کاریابی داریم، یک مجموعه که نیاز به نیرو دارد و یک مجموعه هم که وظیفه تربیت نیروی انسانی را دارد، اما ارتباط میان این سه‌ضلعی شکل نگرفته است.

باید ۳ ضلعی بازار، تربیت نیرو و سازمان‌های کاریابی را ایجاد کرد

پیشنهادهای شما برای حل چالش‌های مهارت و اشتغال در کشور چیست؟

باید به سراغ این رفت که شرایط معرفی این قبیل مشاغل را فراهم کرد و آموزش‌وپرورش قطعا در این زمینه سهم بیشتری دارد. باید برویم تا هدایت تحصیلی‌مان را به سمت این مشاغل سوق دهیم. ما با چالشی مواجه هستیم و آن هم اینکه فردی در این دوره‌ها شرکت می‌کند اما از یک جایی به بعد به اصطلاح ترمز آن گرفته می‌شود، یعنی فرد در دوره‌ای شرکت می‌کند ولی بعد از مدتی متوجه می‌شود که اصلا در این زمینه استعداد ندارد. در این زمینه نقش صدا وسیما و سازمان فنی و حرفه‌ای هم پررنگ است. یک بار باید به جای اینکه دستگاه‌های متولی این حوزه به جای آنکه عملگرایانه مشغول برگزاری این دوره‌ها شوند، به معرفی این مشاغل بپردازند. در استان سمنان و البرز شرکت‌های صنعتی ما نیاز به نیروی انسانی دارند اما در مقابل نیروی انسانی هم حاضر نیست در این شهرک‌ها مشغول به کار شود و در آنجا بیکار داریم. این موضوع دلایل مختلفی هم دارد، اول اینکه نظام کارفرما و کارگری که در آنجا مستقر است حقوق و تکالیف کارگر را شفاف نمی‌کند، یعنی ما همین امروز صنایعی را داریم که نیاز به نیرو داشته و در مقابل دانشگاه‌ها هم این نیروها را تربیت می‌کنند اما به یکدیگر متصل نمی‌شوند؛ چراکه در گام اول اصلا اتصال آنها به صنعت بسته است.

نمایندگان کنگره آمریکا برای محدود شدن اعتراضات علیه صهیونیست‌ها دست به کار شدند

ساکت شو و فقط درس بخوان

علی محمولی
مترجم

تظاهرات حامیان فلسطین و فعالان ضد جنگ از ابتدای شروع تجاوز رژیم‌صهیونیستی به باریکه غزه و نسل‌کشی فلسطینیان، در سراسر جهان آغاز شد. با این حال این اعتراضات در دانشگاه‌ها رنگ و بوی دیگری داشت و در نقاط مختلف دنیا از سرزمین‌های اشغالی در دانشگاه عبری اورشلیم تا آکسفورد و هاروارد پراکندگی داشت. البته این اعتراضات در هفته‌های اخیر شدت گرفته است تا جایی که تاکنون بیش از ۴۰ دانشگاه در پهنه ایالات‌متحده شاهد صحنه تجمعات پرشور علیه رژیم‌صهیونیستی بوده‌اند. همین موضوع منجر به رخداد حوادثی همچون دستگیری بیش از ۲۰۰۰ دانشجو و ضرب و جرح اساتید دانشگاه توسط پلیس و نیروهای ویژه با هدایت برخی روسای دانشگاه‌های برتر این کشور شده است. در همین رابطه مجموعه‌ای از تغییر و تحولات در ابعاد مختلف در فضای آموزش عالی این کشور متاثر از وضعیت فعلی دانشگاه‌ها در حال وقوع است که برای نسل فعلی و نسل‌های آینده‌ای که به امید دریافت مدارج بالاتر به دانشگاه‌های ایالات‌متحده می‌روند، بیانگر مرگ رویای آمریکایی است، جایی که به دانشجویانی که می‌خواهند برای آزادی در جهان و حقوق «برابر» بشری اعتراض کنند، می‌گویند ساکت شو و فقط درس بخوان.

قانون علیه انتقاد از صهیونیسم

کنگره نمایندگان ایالات‌متحده در روز چهارشنبه، طرحی را تصویب کرد که به منزله آن، علاوه‌بر افزایش اختیارات وزیر آموزش این کشور، وزارتخانه مربوطه را به توسعه و پیاده‌سازی ماده ۶ لایحه حقوق مدنی ۱۹۶۴ ذیل «تعریف یهودستیزی» که توسط اتحادیه بین‌المللی یادبود هولوکاست ارائه شده، ملزم می‌کند. در این طرح حتی انتقاد از دولت رژیم‌صهیونیستی نیز به‌عنوان یک اقدام یهودستیزانه یاد شده و قابل پیگرد است. مت گایتز، نماینده جمهوری‌خواه فلوریدا و از مخالفان طرح موسوم به «آگاهی از یهودستیزی» در صفحه مجازی خود در پیام‌رسان اکس (توییتر سابق) گفت: «این یک طرح مسخره علیه نفرت‌پراکنی است... بدون توجه به قانون اساسی، منطق عمومی و حتی درک صحیح از کلمات نوشته شده. طبق این طرح، حتی بخش‌هایی از خود انجیل نیز یهودستیزانه و ممنوع خواهد شد.»

به گزارش وبگاه اینسایدهایر اد (IHE)، منتقدان این طرح یکی از دلایل مخالفت خود با طرح مذکور را این‌طور بیان می‌کنند که طبق این طرح، در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، اگر یک سخنران فلسطینی دعوت شده یا حتی یک پنل تخصصی با موضوع بررسی درگیری‌های صهیونیست‌ها با فلسطینیان برگزار شود، می‌تواند منجر به نقض ماده ۶ لایحه حقوق مدنی شده و توسط اداره حقوق مدنی وزارت متبوع تحت پیگیری قضایی قرار گیرد. انجمن آمریکایی اساتید دانشگاه نیز در بیانیه‌ای که روز چهارشنبه در واکنش به این اقدام تقنینی منتشر کرد، طرح مصوب کنگره را عامل «ایجاد محدودیت‌های قانونی بیش از حد گسترده» دانست و اعلام کرد این طرح می‌تواند منجر به اجتناب اساتید و دانشجویان از ارائه مباحث درسی یا حتی گفت‌وگو حول موضوعات بحث‌برانگیز همچون صهیونیسم شود. این طرح جهت تبدیل شدن به قانون ابتدا باید پس از تایید در کنگره، در سنا تصویب شده و سپس به کاخ‌سفید ارسال شود تا جهت اجرا به سراسر کشور ابلاغ شود.

وزارت آموزش یا پلیس دانشگاهی؟

به گزارش هایر اد دایو (Higher Ed Dive)، هفته گذشته، نمایندگان مجلس سنای ایالات‌متحده در جلسه‌ای که با حضور میگوئل کاردونا، وزیر آموزش این کشور، با دستورکار بررسی بخش آموزش لایحه بودجه ۲۰۲۵ (موسوم به FY۲۵) برگزار شد، از کاردونا در رابطه با اقداماتی که وزارتخانه وی حول مساله اعتراضات حامی فلسطین در دانشگاه‌ها انجام داده است، سوال پرسیدند. کاردونا نیز در پاسخ، اقدامات دانشجویان را «منزجرکننده» خواند و اعلام کرد وزارت آموزش تاکنون ۱۳۷ پرونده در دست پیگیری دارد راجع‌به مواردی که احتمالا ناقض ماده ۶ لایحه حقوق مدنی هستند، می‌باشد. به گفته وی این پرونده‌ها هم در سطح آموزش عالی و هم در سطح مدارس و دبیرستان‌ها بررسی خواهند شد. در بحث لایحه بودجه سال مالی آینده این کشور نیز، وزارت آموزش پیشنهاد داده مبلغ ۲۲ میلیون دلار نسبت به سال ۲۰۲۳ به بودجه اداره حقوق مدنی این وزارتخانه به‌منظور تقویت نیروی انسانی مورد نیاز جهت اعمال قانون، افزوده شود.

در ادامه، کاردونا گفت: «هر چند کسی از اعضای وزارت آموزش در دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک حضور ندارد، با این حال ارتباطات ما با پردیس‌های دانشگاه افزایش پیدا کرده و در این زمینه، به آنها تعهدات حقوقی که در رابطه با حفاظت از دانشجویان دارند را یادآوری کردیم و بهترین رویکردها را جهت اتخاذ اعلام می‌کنیم.»

پول مالیات‌دهندگان علیه مالیات‌دهندگان

به گزارش خبرگزاری کل‌متز (CalMatters)، در ساعات ابتدایی روز پنجشنبه در پردیس لس‌آنجلس دانشگاه کالیفرنیا (UCLA)، پلیس با حمله به کمپ معترضان حامی فلسطین، ضمن تخریب کمپ و شلیک مهمات مخصوص، با باتون با دانشجویان روبه‌رو شد. همزمان با درگیری‌های خشونت‌آمیز و دستگیری‌های گسترده در دانشگاه‌های آمریکا، رهبران جمهوری‌خواه قوه مقننه ایالت کالیفرنیا، خواستار استفاده از امکانات خود در تدوین مناسب بودجه آتی جهت مجازات معترضانی شدند که معتقدند «پا را فراتر از حد خود گذاشته‌اند.»

برایان جونز، رهبر جمهوری‌خواه سنای کالیفرنیا و جیمز گالاگر، رهبر جمهوری‌خواه مجمع نمایندگان این ایالت در روز پنجشنبه اعلام کردند برای جلوگیری از دریافت کمک مالی ایالت به آن دسته از دانشجویانی که با اقدامات مجرمانه خود، حق دیگر دانشجویان را نقض کرده‌اند، تلاش خواهند کرد؛ هر چند آنها طرحی مشخص با جزئیات معلوم را ارائه نکردند، ولی جونز و گالاگر در نشست خبری خود گفتند که آن دسته از دانشجویان که سبب آزار و اذیت هم‌دانشگاهی‌های خود شوند یا به صورت فیزیکی از حضور آنها در کلاس جلوگیری کنند، لیاقت انتفاع از کمک‌هزینه تحصیلی کل‌گرنت (CalGrant) را ندارند. همچنین آنها از تامین مالی پردیس دانشگاه‌های کالیفرنیا و دانشگاه ایالتی کالیفرنیا توسط ایالت به دلیل آنچه «عدم مقابله کافی با معترضان» خواندند، جلوگیری خواهند کرد که این رقم احتمالا برابر با هزینه آوردن نیروی پلیس به محل دانشگاه و هزینه پوشش خرابی‌های به بار آمده خواهد بود.

از سوی دیگر نیز به گزارش آسوشیتدپرس، اعضای حزب جمهوری‌خواه در کنگره نیز در روز سه‌شنبه گفتند به‌زودی طرح تحقیق و تفحص بودجه فدرال دانشگاه‌هایی که صحنه اعتراضات دانشجویی علیه جنگ رژیم‌صهیونیستی- فلسطین هستند را آغاز خواهند کرد و در این میان، به بررسی موشکافانه عملکرد روسای مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور در مواجهه با این حوادث خواهند پرداخت. چندین کمیسیون کنگره نیز در این بررسی گسترده مامور خواهند بود که احتمالا درنهایت منجر به ممنوعیت پرداخت گرنت تحقیقاتی و دیگر حمایت‌های دولتی از دانشگاه‌ها خواهند شد؛ اقداماتی که سبب افزایش بیشتر فشارها بر روسای دانشگاه‌ها که هم‌اکنون نیز درگیر مسائلی از قبیل کمپ معترضان و انواع و اقسام شکایات هستند، خواهد شد. این طرح تحقیق و تفحص در ادامه سلسله جلسات استماع مهمی رخ می‌دهد که منجر به استعفای روسای دانشگاه‌های هاروارد و پنسیلوانیا شد. همچنین نمایندگان بانی این طرح نیز قول دادند در ادامه بررسی‌های خود، مسئولان دانشگاه ییل، پردیس لس‌آنجلس دانشگاه کالیفرنیا (UCLA) و دانشگاه میشیگان را در ماه آتی احضار خواهند کرد.

پلوتوکراسی: ابزار صهیونیسم علیه معترضان

پلوتوکراسی یا توانگرسالاری را می‌توان به وضعیتی گفت که در آن اقلیت بسیار ثروتمند بر دیگر ارکان و اعضای جامعه حکمرانی می‌کنند. از آنجایی که سیستم آموزش عالی مانند دیگر سیستم‌ها در این کشور خصوصی و وابسته به درآمدها و کمک شرکت‌ها و اشخاص متمول است، در موضوع اعتراضات دانشجویان در دانشگاه‌های ایالات‌متحده، توانگرسالاری نیز طبیعتا تبدیل به بارزترین و اساسی‌ترین سلاح صهیونیسم علیه معترضان می‌شود و این مورد، زمانی که با فشارهای دولت فدرال در واشینگتن دی‌سی نیز همراه شود، شدت عمل دو چندان پیدا کرده و آینده شغلی و تحصیلی افراد را گروگان حفظ و حمایت از ایدئولوژی خود می‌کنند.

در همین باب، شبکه تلویزیونی دبلیوآرتی‌وی WRTV، گزارشی از یک استاد منتشر کرده که پس از دستگیری در اعتراضات دانشگاهی اخیر، نسبت به آینده شغلی خود ابراز نگرانی می‌کند. هدر آکو، هیات علمی و دانشیار رشته طراحی مد دانشگاه ایندیاناپولیس است. اوکه دراعتراضات دانشگاه خود شرکت کرده بود، با خشونتی که به نقل از خودش «در این دانشگاه سابقه نداشته» توسط پلیس دستگیر شد و سپس ممنوع‌الورود به دانشگاه اعلام شد؛ هر چند آکو نسبت به این حکم اعتراض کرد و مجددا بر سر کار بازگشت، اما به گفته خودش پس از ۲۰ سال کار کردن در این دانشگاه، وی به دلیل «دفاع از حقوق متمم اولی دانشجویان» خود در اعتراضات دانشجویی از آینده شغلی خود نگران است.

البته این موضوع برای دانشجویان نیز صادق است. کوین اولری، تاجر و شخصیت مطرح تلویزیونی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی نیوزنیشن، به دانشجویان هشدار داد این اقدامات می‌تواند تاثیر منفی در آینده شغلی آنها داشته باشد؛ چراکه شرکت‌ها، افرادی را که متقاضی کار باشند، مورد بررسی و تحقیقات بسیاری قرار می‌دهند و حتی شبکه‌های اجتماعی آنها را به دنبال محتوای جنجالی، زیر و رو می‌کنند. به نقل از اولری «ممکن است ما عکس‌هایی را ببینیم که شما در حال آتش زدن پرچم یا درگیری با پلیس هستید. نمی‌گویم شما این حق را ندارید، این بخشی از دموکراسی و آزادی بیان است. اما وقتی که فایل متقاضی بعدی را ببینیم، ممکن است در آن آتش‌زدن پرچم یا درگیری با پلیس نباشد و آن شخص نیز به خوبی شما باشد... دو یا سه سال از الان، زمانی که شما دنبال کار هستید و چنین محتوایی برای همیشه در پرونده شماست، آن موقع موضوع اهمیت پیدا می‌کند.»

نیمکت خبر

کلید اولیه پنجاه‌ویکمین دوره آزمون دستیاری پزشکی منتشر شد

آزمون کتبی پنجاه‌ویکمین آزمون پذیرش دستیار تخصصی پزشکی پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ در دانشگاه‌های علوم پزشکی محل آزمون با حضور ۱۲ هزار و ۳۵۸ نفر برگزار شد. کلید اولیه آزمون یکشنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه در سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی منتشر شده است. داوطلبان از یکشنبه ۱۶ اردیبهشت تا ساعت ۲۴ سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت فرصت دارند به‌صورت اینترنتی اعتراض خود را ثبت کنند. پیش‌بینی می‌شود کارنامه حاوی نمره و رتبه داوطلبان آزمون دستیاری پزشکی تا یک‌ماه بعد از آزمون در اختیار داوطلبان قرار گیرد که بتوانند نسبت به انتخاب رشته خود اقدام کنند. براساس اعلام باقری‌فرد، معاون آموزشی وزارت بهداشت، نتایج اولیه به‌صورت کارنامه در نیمه‌دوم خردادماه ۱۴۰۳ اعلام می‌شود و امکان انتخاب رشته برای داوطلبانی که براساس مفاد راهنمای مربوط نمره لازم را کسب کرده‌اند، فراهم می‌شود.

امکان صرف هزینه‌های مالیاتی اپراتورها برای شرکت‌های دانش‌بنیان

سیدمحمد کرباسی، دبیر ستاد فناوری ارتباطات معاونت علمی «توسعه فناوری با اعتبار مالیاتی» را ازجمله موضوعات درحال پیگیری این ستاد دانست و گفت: «برای تحقق این امر با اپراتورها و صنایع مذاکراتی انجام داده‌ایم و امیدواریم به‌زودی شاهد عقد قراردادهایی در این زمینه باشیم.» او افزود: «این مسیر به هوشمندسازی صنایع، افزایش بازدهی آنها و کاهش مشکلات صنایع منتج خواهد شد.» وی با اشاره به برنامه توسعه فناوری با اعتبار مالیاتی ۶۰۰ میلیارد تومانی، بیان کرد: «این ستاد طی هشت‌ماه اخیر تلاش‌های زیادی برای ایجاد زیرساخت‌های لازم انجام داده و مذاکرات مختلفی با وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات به‌منظور اصلاح برخی قوانین و قواعد رگولاتوری صورت گرفته است.» به گفته او هدف اصلی این است که با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از اعتبار مالیاتی خود اپراتورها، شرایطی ایجاد شود تا این فناوری‌ها در کشور از طریق اعتبار مالیاتی اپراتورها بومی‌سازی شوند.

تلاش‌مان ایجاد محیط دوستانه برای دانشجویان بین‌المللی خواهد بود

هاشم داداش‌پور، رئیس سازمان امور دانشجویان گفت: «جذب دانشجویان بین‌الملل علاوه‌بر تقویت تعاملات بین‌المللی به تحقق اهدافی مانند ارتقای کیفیت آموزش، افزایش درآمد و پیشرفت علمی و فناورانه نیز کمک می‌کند.» وی با اشاره به اهمیت جذب دانشجویان بین‌المللی خاطرنشان ساخت: «بی‌شک ارتباط نزدیک با جوامع بین‌المللی باعث ارتقای شهرت دانشگاه‌ها و در مجموع کشور در دایره نظام علمی دنیا شده و با تحقق تفاهمنامه‌های بین‌المللی شاهد رشد و گسترش مراکز آموزشی و به تبع آن کشور خواهیم شد و به اهمیت جذب دانشجویان بین‌المللی بیشتر وقوف خواهیم یافت.» داداش‌پور با اشاره به اینکه دانشجویان بین‌الملل باید از امکانات و خدمات بهره‌مند باشند، تصریح کرد: «پشتیبانی زیرساختی و خدماتی، حمایت آموزشی و فرهنگی ازجمله خدماتی است که دانشجویان بین‌الملل باید از آن به خوبی برخوردار باشند.» به گفته او هدف از تلاش‌های سازمان امور دانشجویان ایجاد یک محیط دوستانه برای دانشجویان بین‌المللی است تا بتوانند سفیران خوبی برای معرفی جاذبه‌های تحصیل در ایران باشند.

محققان حوزه ریاضی تا سقف ۱٫۵ میلیارد تومان حمایت می‌شوند

مالک نادری، مدیر پژوهش، نظارت و ارزیابی بنیاد علم ایران از اجرای برنامه بدیع‌الظهور از سوی این بنیاد خبر داد و گفت: «در این برنامه حرکت در مرز ریاضی را شروع کرده‌ایم و تا سقف ۱٫۵ میلیارد تومان از ریاضیدانان و محققان حوزه ریاضی حمایت خواهد شد.» او ادامه داد: «ستادهای معاونت علمی که می‌خواهند طرح‌هایی را در TRLهای چهار تا پنج اجرایی کنند از طریق بنیاد علم اقدام کنند. از این رو فراخوان‌هایی را با ستاد علوم زیستی، نانو، علوم‌شناختی و هوش مصنوعی منتشر کرده‌ایم و سقف حمایت‌های ما تا سقف یک‌میلیارد تومان است.» نادری اعطای گرنت را از دیگر زمینه‌های حمایتی بنیاد علم ایران نام برد و اظهار کرد: «این گرنت‌ها دارای انواع مختلفی هستند، ازجمله گرنت جذب آغاز است و براساس آن اگر دانشگاهی از ۵۰ دانشگاه اول دنیا، هیات‌علمی جوانی را استخدام کند، به مدت دوسال و هر سال ۴۲۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود تا استاد بتواند زیرساخت آزمایشگاهی برای خود فراهم کند.»

پذیرش دانشجو در شعبه نجف‌اشرف دانشگاه تهران از سال تحصیلی آینده

سیدمحمد مقیمی، رئیس دانشگاه تهران از مصوبه هیات امنای دانشگاه تهران برای راه‌اندازی شعبه‌های دانشگاه تهران در سه خوشه اصلی شامل حوزه کشورهای خاورمیانه و آفریقا، کشورهای حوزه اوراسیا و شبه قاره هند، گفت: «هدفگذاری اصلی دانشگاه تهران در عراق ناظر بر راه‌اندازی شعبه دانشگاه در شهر نجف‌اشرف و گسترش شعب در دیگر شهرهای عراق است.» مقیمی نقشه‌راه تعاملات علمی بین‌المللی را ترسیم کرد و گفت: «در این نقشه‌راه، اولویت اصلی ما به کشورهای منطقه اختصاص پیدا کرده، همچنین ساختاری را برای ایجاد شعبه‌های دانشگاه تهران در خارج از مرزهای جغرافیایی ترسیم کرده و سه خوشه اصلی شعب شامل شعبه‌های مربوط به حوزه کشورهای خاورمیانه و آفریقا، خوشه کشورهای حوزه اوراسیا و خوشه شبه‌قاره هند را به تصویب هیات امنای دانشگاه تهران رسانده‌ایم.» مقیمی با تاکید بر اینکه شعبه دانشگاه تهران در کشور گرجستان راه‌اندازی شده و پذیرش دانشجو در این شعبه آغاز شده است، افزود: «در دبی نیز شعبه دانشگاه تهران درحال شکل‌گیری است و براساس مذاکرات با مقامات هندوستان، به‌زودی شعبه دانشگاه تهران در دهلی نو تاسیس خواهد شد.»

لیگ ملی برنامه‌نویسی دانشجویی کدکاپ برگزار می‌شود

علی لطفی، مدیر مسابقات کوئرا با بیان اینکه لیگ ملی برنامه‌نویسی کدکاپ ۸ با محوریت ترویج برنامه‌نویسی برای دانشجویان در سراسر کشور برگزار می‌شود، گفت: «در این مسابقه ضمن ترویج برنامه‌نویسی، بحث آموزش برنامه‌نویسی گنجانده شده است و افراد می‌توانند در هر سطحی که هستند، آموزش متناسب با خودشان را دریافت کنند.» او به جایزه‌های دریافتی این مسابقه اشاره کرد و گفت: «در این مسابقات انتخابی دانشجوی برتر هر استان، سهمیه رقابت فینال را با انضمام یک‌میلیون تومان جایزه نقدی دریافت خواهد کرد، همچنین بعد از هر مسابقه، جلسه آنلاین حل سوالات مسابقه توسط طراحان سوالات برگزار می‌شود.» مدیر مسابقات کوئرا اضافه کرد: «گذراندن موفقیت‌آمیز این دوره‌ها بین یک تا سه‌ماه به‌صورت آنلاین طول می‌کشد، علاوه‌بر این به ۱۰ نفر از شرکت‌کنندگان مسابقه تی‌شرت یادبود اهدا می‌شود و هرکس در این مسابقه کد ارسال کرده باشد، شانس برخورداری از این جوایز را خواهد داشت.»

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴